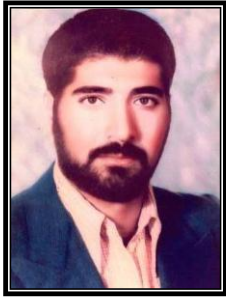


زندگی نامه فرماندار مکتبی شهید **امامقلی جعفرزاده سامانی** :



تولد: بهمن ۱۳۲۴ سامان

شهادت: ۱ دی ۱۳۶۰ مشهد مقدس

شهید امامقلی جعفرزاده سامانی در بهمن ماه سال ۱۳۲۴ در شهر سامان زادگاه عمان و دهقان سامانی از شعرای به نام ایران؛ یکی از شهرهای استان چهارمحال و بختیاری، در یک خانواده مستضعف به دنیا آمد. تنها فرزند این خانواده بود، او را نذر امام رضا(ع) کردند و مدت هفت سال لباس سفید به او پوشاندند و کفن پوش امام رضایش ساختند. به اندازه موهای سرش سکه به حرم امام حسین علیه السلام ریختند. پدر و مادر متدین او از همان اول پیوندش را با ائمه طاهرین(ع) مستحکم ساختند. به لحاظ همین امر بود که لحظه ای از یاد آنان غافل نمی شد و همه کارهایش در جهت و خواست ائمه اطهار(ع) بود. تحصیلات ابتدائی خود را در سامان به پایان رسانید و بعد از به دلیل فراهم نبودن شرایط ادامه تحصیل در سامان تحصیلات متوسطه خویش را در دبیرستان ادب اصفهان تمام کرد. در سن ۱۷ سالگی پدرش را از دست داد و با مادر پیرش زندگی می کرد. در سال ۱۳۴۱ وارد صحنه سیاست شد و مشغول کارهای زیرزمینی که بوسیله روحانیت مبارز رهبری می شد، گردید و به پخش اعلامیه و نوارهای امام و رساله امام پرداخت. ایشان در سال ۱۳۴۵ به خدمت سربازی اعزام گردید و در دوران سربازی خود سپاهی دانش ممتاز بود. دوستان هم دوره اش می گویند، در سال ۱۳۴۶ عکس امام(ره) را به آنها نشان می دهد و می گوید: روزی این زعیم عالیقدر حکومت اسلامی را پیاده خواهد کرد. در سال ۱۳۴۷ وارد کارخانه ذوب آهن اصفهان گردید و بعد از دیدن دوره یکساله فنی مشغول بکار شد. در شهریور سال ۱۳۴۷ ازدواج کرد که ثمره این ازدواج یک دختر و دو پسر است. در سال ۱۳۴۹ برای دیدن دوره یکساله از طرف کارخانه ذوب آهن اصفهان عازم شوروی شد ولی به علت بر خورداری از استعداد و نبوغ زیاد، این دوره را در مدت هفت ماه و نیم تمام کرد و به کشور بازگشت. در این مدت که در شوروی اقامت داشت تمام موازین شرعی را اجرا می کرد و قرار گرفتن در محیط فاسد و غیراسلامی کوچکترین خللی در ایمان و اراده او ایجاد نکرد. بعد از بازگشت از شوروی فعالیتهای خویش را دوباره از سر گرفت و با مبارزان منطقه چهارمحال و اصفهان مانند برادران؛ صلواتی، پرورش، آیت... طاهری، حجه الاسلام میرزائی امام جمعه زرین شهر و شهدائی چون ترکی، فولادی و... ارتباط تنگاتنگ داشت. در آن خفقان رژیم دیکتاتوری پهلوی، به ایجاد نمایشگاههای کتاب در فولادشهر، شهرکرد، سامان همت گماشت و همچنین در سایر شهرستانها نمایشگاههای

کتاب بسیاری تشکیل داد. اودراین نمایشگاهها به روشنگری افکار توده‌های مردم می پرداختند و به کارهای تشکیلاتی اهمیت بسیار می داد.

به همین جهت همراه با سایر برادران مکتبی و مبارز نسبت به تشکیل جلساتی چند در فولادشهر همت گماشت. شهری که به دلیل رواج فرهنگ فاسد طاغوتی از معنویت در آن اثری نبود. اوبارها هزاران اعلامیه حضرت امام(ره) را مخفیانه و با چابکی، زیرکی و بدون ترس از عوامل ساواک به داخل کارخانه ذوب آهن اصفهان میبرد و پخش می کرد. در چهلمین روز شهادت حاج آقا مصطفی خمینی، در حالی که در مسجد سید اصفهان سخنرانی میکرد، دستگیر شد. در زمان پیروزی انقلاب زحمات زیادی کشید و بارها خطر رازسر گذراند اما به شهادت نرسید. او تمام مال و جان خویش را فدای مکتب اسلامی ساخته بود. لحظه‌ای از یاد خانواده‌های زندانی، تبعیدی و خانواده‌های بی سرپرست و مستضعف غافل نمی شد و با انجمن مددکاران و صندوق قرض الحسنه اصفهان همکاری داشت. وقتی که نماز می خواند با تمام وجودش به یاد خدا بود و با تمامی وجودش دعای کمیل می خواند و اشک می ریخت. به معنای واقعی کلمه مقلد امام(ره) و معتقد به ولایت فقیه بود. به امام(ره) عشق می ورزید و او را الگوی خویش قرار داده بود. در زمان پیروزی انقلاب به همراه دیگر برادران مبارز کارخانه ذوب آهن را به اعتصاب کشاندند. وی دارای بینش سیاسی قوی بود و هیچگاه در مسائلی که در مملکت بوجود می آمد اشتباه نمی کرد. در اول انقلاب که حجم زیادی از حملات ناجوانمردانه ی منافقین و ملی گراهای دروغین متوجه آیت ... مظلوم دکتر بهشتی و سایر شخصیت‌های انقلابی بود؛ ایشان به آنها عشق می ورزید و می گفت: روزی شهید بهشتی و حقانیت حزب جمهوری بر مردم ثابت می گردد. توصیه می کرد که از روحانیت مبارز دفاع کنید. به مال دنیا دل نبندید که شما را گرفتار می کند. همیشه شهادت را از خدا آرزو می کرد و در قبال خون شهداء احساس تعهد می کرد. مرتب قیامت را یادآوری می کرد و به آقای رجائی، رفسنجانی، خامنه‌ای و همراهان علاقه بخصوصی داشت و می گفت: که اینها بازوان امام هستند، بعد از پیروزی انقلاب به سمت مدیریت انتظامات شهر صنعتی فولاد شهر انتخاب گردید و در این پست خدمات شایانی کرد. مدت هشت ماه در این پست خدمت نمود و بعد به جهاد سازندگی شهر کرد آمد و در مدت ده ماه در این شغل خدمت کرد و بعد به علت حساسیت منطقه به انتظامات بازگشت. بعد وارد سپاه پاسداران شد و در قسمت اطلاعات مشغول خدمت گردید. بعد از آن مسئول اداره حراست کارخانه ذوب آهن اصفهان شد و مدتی هم در این قسمت خدمت کرد. او در بیست و نهم مهرماه ۱۳۶۰ به سمت فرماندار شهر کرد انتخاب شد. در تاریخ یکم دیماه سال ۱۳۶۰ وقتی که به اتفاق همراهانش از بازدید جبهه‌ها برمی گشت تصمیم می گیرند به حرم امام رضا(ع) بروند و زیارت کنند. پس از زیارت معشوق و کمی استراحت در شهر مشهد موقع خروج از اقامتگاه خود مورد شناسائی قرار می گیرند و به دست منافقین جنایتکار به درجه شهادت تابه آرزوی خود برسد.

یادش گرامی و راهش پر رهرو باد... (شادی ارواح طیبه امام و شهداء صلوات)

روابط عمومی و تبلیغات حوزه مقاومت بسیج دانش آموزی شهید آوینی منطقه سلمان